

کتاب فرهنگ و تمدن ایران

صفحات 123 تا 145

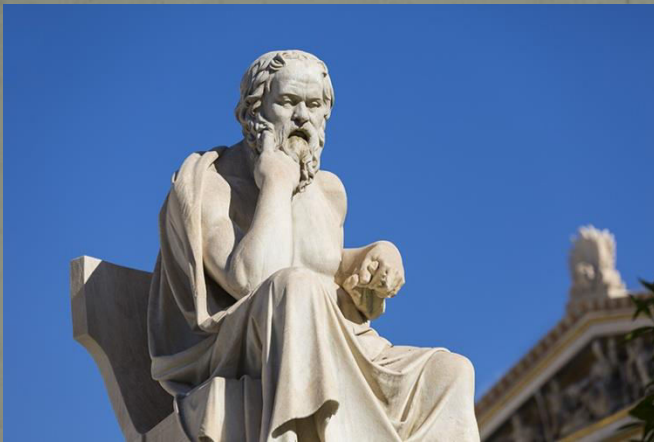
ارائه دهنده: سارا رفیعی

دولت

- در فرهنگ ایران در زمانهای کهن به ((فر)) تعبیه شده است
- نقشی که دولت بازی میکند سیاست نام دارد

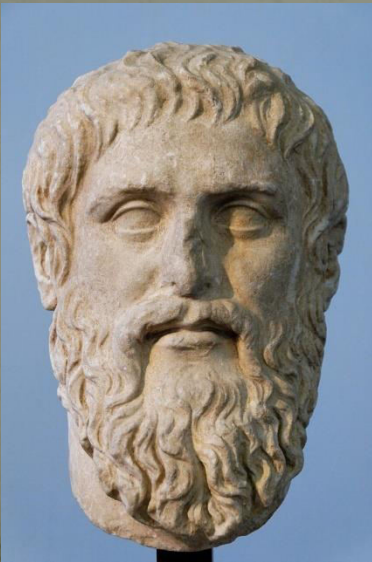
سقراط

- استاد افلاطون
- حاکمان حکیم
- اعدام سقراط
- حکومت عامه را نوعی هرج و مرج میدانست



افلاطون

اعتقاد افلاطون این بوده که شما هنگامی که بیمار هستید؛ عده ای را جمع نمی کنید تا بیماری شما را تشخیص دهند بلکه نزد پزشک می روید؛ بر این اساس چرا باید هنگام حکومت کردن به نظر اکثریت توجه کنیم؟ چنین می توان از نظریه افلاطون استنتاج کرد که او باور داشته باید حکومت را به دست واجدان شرایط حاکمیت سپرد و نه نظر اکثریت بر این اساس او قانونگذاری و حق حاکمیت را حق فیلسوفان می دانسته که باور داشته به حقایق عقلانی آگاهند



افلاطون

- آریستوکراسی (نخبه سالاری)
- کتاب جمهور
- افراط در طلب منافع دولتها موجب انقلاب است، اگر هنگام انقلاب فرا رسد، شعله ور شدن آن به علل جزئی است اما در حقیقت در نتیجه اشتباهات بزرگ است
- حکومت شبیه افراد خود است
- مرکز جنگجویان میدان جنگ است
- فلاسه شایسته ی حکومت نه تنها متفکرند بلکه اهل عمل هم هستند

انواع حکومتها از نظر افلاطون

- حکومت اشرافی
- تیموکراسی: حاکمیت تروتمندان
- الیوگراسی: حاکمیت نظامیان
- دموکراسی
- استبداد

ارسطو



- کتاب سیاست
- شاگرد افلاطون
- افراد را اصل میداند
- حکومت طبقه متوسط

اسوالد اشپنگر

- احزاب تا موقعیکه پیشروان آنها به قدرت مطلقه نرسیده اند که نفس را در سینه آنها حبس کنند مخالف با میوه تمدن یعنی دولت هستند
- وقتی انقلاب میشود که اقتدار دولت کم میشود و کسی برای دولت احترامی قائل نشود
- اشپنگر دولت را مترادف فرهنگ میداند
- کتاب سقوط غرب
- اندیشمندی آلمانی است که از میان بحرانهای عظیم، آلمان و اروپا (جنگ جهانی اول و ظهور سوسیالیسم) ظاهر شده و اظهار داشته که تاریخ متشکل از دوره های مختلف است و هر دوره تاریخی تولد، اوج و افول دارد

نظریات پیرامون دولت در عصر رنسانس

ژان بودن

- شش کتاب جمهور
- قرن شانزدهم
- حاکمیت عبارت است از قدرت لایزال و مطلق دولت. دولت جز در مقابل خداوند پاسخگوی هیچکس نیست
- قدرت متمرکز در دست فرد، دوام قدرت را بهتر میکند
- پدر حاکمیت

توماس هابز

- قرن هفدهم
- دولت ناشی از اراده ملت است
- کتاب لویاتان
- وضع طبیعی
- انسان گرگ، انسان است
- دین در اختیار دولت باشد
- قرارداد اجتماعی

جان لاک

- قرن هفدهم
- مانند هابز وی به تشریح نظریه قرارداد اجتماعی بر پایه حقوق بنیادین شهروندان و قانون طبیعت دست زد. وی در اینجا با هابز تفاوت می‌یابد که معتقد است ارزش‌های اخلاقی در جامعه ماهیتی مستقل از قوای دولتی دارند و می‌گویند نقش و وظیفه دولت محدود به پاسداری از مالکیت خصوصی است